

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمور شاه تیموری

بهار و طبیعت

کنی آماده و پسرورده در ایام بهار
لاله و سنبل و ریحان هزاران به هزار
طوطیان خنده کنان اند به هر کنج و کنار
دیده در راه بدوزد که چه آید ز بهار
بوسه ای چند که آرد نفس شان به شمار
غنچه شرمندگی از سرخی رنگ لب یار
زان همه سردی و بی رحمی ارباب کبار
مردم بی سر و بی پای بهر کوی و دیار
سوخت در آتش سنگین مسلمان و کفار
هر طرف بنگری صد مادر غمدیده قطار
مادرش رفته ز انتظار و ندارد غمخوار
قسمت بیوه زنان حال تباہ قلب فگار
دست یک پیر نگیرند که ندارد غمخوار
زان کسانی که بدوش من و تو گشته سوار
می مکند خون ز ابنای وطن چون سوسمار
آن کسان مالک میلیون و تریلون به هزار
فقر و بیچارگی افزون ز سرحد شمار
حق خدود را بستانیم ز دیوان مکار

ای طبیعت چه نقاشی که دوصد نقش و نگار
مخمل سبزه بود پهن به کوی و برزن
بلبلان مست گل و گل به تماشای چمن
نرگس همواره که چشمی نگرانی دارد
عاشقان از لب معشوقه تقاضا دارند
برگ گل نازکی تازه عذاری دارد
گسوی از باد صبا اشک یتیمان ریزد
زاسمان خون بیبارد، بزمین خفته بخون
مردم صلح طلب صاف دل بی پروا
هر طرف گوش دهی آه یتیمان در گوش
طفل شیرخوار که جز در پی مادر نرود
دختران در سر بازار چو حیوان بفروش
هر جوان عقده بدل در پی شغلی پویان
آه و افسوس و صد افسوس که قلبی نتپید
این کسان اند که چون جوک پلید خونخوار
من و تو نان شب و روز گدائی بکنیم
نان و آبی نرسد بهر ضعیفان وطن
پس بیائید پی چاره این کار شویم

رحم بر مردم غمديده بيچاره كنيم
اي وطن فخر تو كو عزت و شانت به كجاست؟
شهره از خوبی بدی در همه دنیا لیکن
یارب از فضل و كرم رحمت خاصی بنما
ظالمان را بسر شان ببندیم افسار
این چه آورد به سرت ددمنشان خونخوار
شهرت نیک تو گر دیده کنون بی مقدار
تا برون رفت ازین فاجعه پرادبار
آنچه از دست برفته ست بیارند بدست
نشود ظالم و ستم بر سر مردم تکرار

(تیمور شاه تیموری - المان - ۲۲ مارچ ۲۰۱۲)